

# بررسی نقاط قوت و محدودیت‌های به‌کارگیری پلیس زن در عرصه مبارزه با مواد اعتیادآور در کشور ایران

تاریخ دریافت: ۸۹/۱۰/۱۵

تاریخ پذیرش: ۹۰/۱/۱۷

رویا نوری<sup>۱</sup>

بابک قرقلو<sup>۲</sup>

## چکیده

در این مطالعه با توجه به تغییرات صورت گرفته در روند وضعیت مصرف مواد مخدر در کشور، از جمله تغییر الگوی مصرف مواد مخدر از مواد سنتی به صنعتی، افزایش خشونت‌های خانگی به علت اختلالات ناشی از مصرف مواد جدید، افزایش تعداد زنان مصرف‌کننده در نسل جدید مصرف‌کنندگان مواد، و افزایش رفتارهای پرخطر در جمعیت مصرف‌کننده، به‌کارگیری زنان پلیس در عرصه مبارزه با مواد مخدر را به عنوان سازوکاری نوین در مبارزه با این پدیده مورد بررسی قرار داده تا با ارائه تصویری مبتنی بر مستندات علمی، حضور زنان پلیس را به عنوان تضمینی بر موفقیت‌های بیش از پیش پلیس کشور در این حوزه مورد مذاقه قرار دهیم. در این مطالعه که با روش اسنادی انجام شده ابتدا به تفصیل بر اساس نتایج مطالعات انجام شده در ایران و جهان، تاریخچه به‌کارگیری پلیس زن مورد بررسی قرار گرفت سپس با نگاهی به تجربه دیگر کشورها، به نقاط قوت و امتیازات به‌کارگیری پلیس زن و محدودیت‌های شغلی پلیس زن در حوزه مبارزه با مواد مخدر در جهان پرداخته شد. در بخش بعد آسیب‌های اعتیاد بر خانواده و زن مورد بررسی قرار گرفته

۱. کارشناس ارشد جامعه‌شناسی

۲. کارشناس ارشد پژوهش اجتماعی

سپس در بخش پایانی مقاله با تمرکز بر امتیازات شناسایی شده در به‌کارگیری زنان پلیس در مبارزه با مواد اعتیادآور و با بهره‌گیری از تجربیات و موفقیت‌های برخی کشورها از قبیل کره، هندوستان، یمن، مکزیک، فلسطین و موریتانی، نقش‌های پیشنهادی پلیس زن در حوزه کاهش عرضه و کاهش تقاضای اعتیاد (پیشگیری درمان، کاهش آسیب) در قالب راهکارهای اجرایی ارائه شد. بررسی تاریخچه پیدایش پلیس زن، نشان داد با وجود مشکلات و موانع عدیده اجتماعی و فرهنگی، کارایی زنان پلیس در حوزه‌های مختلف، منجر به تکوین پایگاه جدیدی در ساختار ادارات پلیس شد. مرور تجارب دیگر کشورها در استفاده از پلیس زن در حوزه مبارزه با مواد مخدر حاکی از گسترش و تنوع نقش پلیس‌های زن و رفع نگاه جنسیتی و تبعیض‌آمیز ادارات پلیس در سپردن نقش‌های پلیسی به زنان را در این حوزه نشان می‌دهد، و بالقوه‌های زنان در نقش پلیس مبارزه با مواد اعتیادآور با تکیه بر مواردی مانند مدیریت زنان در موقعیت‌های خشونت‌آمیز، پتانسیل به‌کارگیری مهارت‌های ارتباطی، ویژگی‌های فردی و شخصیتی زنان از جمله انعطاف، اعتماد به نفس، بیانگری و خلاقیت بر شمرده شده است. تجارب دیگر کشورها نشان داده با تمرکز بر تقویت توانمندی‌های بالقوه شناسایی شده در زنان پلیس، و بهره‌گیری از راهبردهایی مانند «جودوی کلامی» اثر بخشی به‌کارگیری آنان در حوزه مبارزه با مواد در موارد زیر مشاهده شده است: ضمانت اجرای قوانین، بهبود سیمای مردمی از چهره پلیس در ابعاد ملی و بین‌المللی، افزایش کارایی افسران پلیس، کاهش هزینه‌ها و خسارات جسمی، روانی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی وارده بر جامعه در ماموریت‌های پلیس در حوزه کاهش عرضه، کاهش تنش‌های موجود در فضای ادارات پلیس و بهره‌مندی از نیروی مردم در انجام ماموریت‌ها. نقش‌های پیشنهادی پلیس زن در حوزه کاهش عرضه، پیشگیری، درمان، کاهش آسیب و مشارکت در برنامه‌های اجتماع‌محور در موارد زیر خلاصه می‌شود: پلیس مخفی، بازرسی اماکن عمومی و منازل، «مشاور در دسترس خانواده»، «عضو انجمن اولیا و مربیان مدارس»، «عضو تیم پیشگیری مدارس محله»، «مربی پیشگیری از اعتیاد در مدارس»، «تسهیلگر درمان اعتیاد زنان»، «پلیس کاهش آسیب زنان»، «عضو CBO محله»، «سرپرست مراکز حمایتی - اقامتی

ویژه کودکان بی خانمان فرزندان خانواده‌های معتاد» و «یاری‌گر فرزندان محله ما»  
کلید واژه: پلیس زن، مبارزه با مواد مخدر، پیشگیری، درمان، کاهش آسیب، امتیازات  
پلیس زن، محدودیت‌های پلیس زن

## مقدمه

بسیاری از صاحب‌نظران و کارشناسان حوزه اعتیاد و دیگر آسیب‌های اجتماعی در کشور معتقدند در سال‌های اخیر الگوی سوء مصرف مواد مخدر در کشور در حال تغییر است. پایین آمدن سن اعتیاد و پیوستن زنان به گروه مصرف‌کنندگان مواد اعتیادآور از جمله مواردی است که سلامت جامعه را تهدید می‌کند. نتایج ارزیابی سریع وضعیت اعتیاد در سال ۱۳۸۶ نشان داد حدود ۴۴/۶ درصد جمعیت معتادان را افراد زیر ۲۹ سال تشکیل می‌دهند (نارنجی‌ها و همکاران، ۱۳۸۶). پدیده اعتیاد به سبب چندوجهی بودن و همچنین تغییرات پنهانی و سریع، نیازمند مداخلات جامع و دقیق و در عین حال سریع و پویا است. بدین لحاظ پایه و اساس سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی، و انتخاب روش‌های مقابله با اعتیاد، بایستی بر اطلاعات و آگاهی روزآمد و نقد وضعیت موجود متکی باشد. در راستای اهمیت موضوع مبارزه با مواد اعتیادآور در کشور به عنوان پدیده‌ای ویران‌کننده، لزوم بازبینی پتانسیل‌های موجود و به‌کارگیری راه‌های نوین در برخورد با این پدیده هوشمند از مسئولیت‌های عمده و اساسی سازمان‌هایی است که دغدغه سلامت و امنیت این مرز و بوم را دارند. از آنجایی که نیروی انتظامی در راستای حفظ امنیت و سلامت آحاد جامعه در مرزهای کشور پرچمدار مبارزه با مواد اعتیادآور است، اهمیت بازبینی نقش زنان پلیس به عنوان یکی از اهرم‌های موجود در این ارگان برای مبارزه با این پدیده آسیب‌زننده به عنوان یک ضرورت مطالعاتی مطرح می‌شود، به ویژه اینکه در خصوص به‌کارگیری پلیس زن در حوزه مبارزه با مواد مطالعه‌ای صورت نگرفته است. بررسی نقش پلیس زن در حوزه مبارزه با مواد مخدر و شناسایی نقاط قوت به‌کارگیری زنان پلیس در حوزه‌های نیازمند مداخله در مبارزه با عرضه و تقاضای مواد اعتیادآور در کنار مردان پلیس به عنوان یکی از بازوهای اجرایی، می‌تواند تصویری روشن از عملکرد زنان پلیس را در این عرصه ارائه دهد.

### بیان مسئله:

امروزه شاهد رشد چشمگیر مصرف مواد محرک به ویژه مت‌آمفتامین‌ها در کشور هستیم که بیشترین پتانسیل ایجاد آسیب‌های روانی، فیزیکی و اجتماعی را دارند. برآیند کنش متقابل میان عوامل اجتماعی و عوامل فردی حاکم بر شرایط موجود در خانواده‌ای که یکی از اعضای مصرف‌کننده مواد می‌باشد، بروز عوارض نابهنجار رفتاری می‌باشد که سازمان خانواده را به سوی عدم انتظام و همبستگی سوق می‌دهد. وجود عارضه اعتیاد در خانواده به عنوان یک نظام به دیگر بخش‌ها منتقل شده و کل سیستم را در معرض خطر ابتلا به عوارض متعدد قرار داده است. بدیهی است خانواده به عنوان یک سیستم با وجود آسیب دیدگی ناشی از اختلال در کارکرد اعضا به سمت ناکارآمدی حرکت می‌کند (نوری و همکاران، ۱۳۸۶). مطالعات نشان می‌دهد رشد پدیده‌های اعتیاد متناسب با رشد دیگر رفتارهای مجرمانه همگام و همسان بوده است (نوری و همکاران، ۱۳۸۶). شواهد آماری حاکی از آن است که ۳۴ درصد از طلاق‌های کشورهای کشور ناشی از اعتیاد و مسائل مرتبط با مواد مخدر است (عفتی، ۸۲). نتایج مطالعه‌ای که وضعیت اعتیاد را طی ده سال اخیر مورد بررسی قرار داده است، نشان داد با بالا رفتن اعتیاد در کشور با افزایش فعالیت‌های قهری مواجه هستیم که امری فی‌نفسه طبیعی است. بالا رفتن تعداد عملیات و فعالیت‌های مبارزه با عرضه، فعالیت قاچاقچیان و تأمین مواد مخدر در کشور را کاهش نداده و این دو به طور موازی روند صعودی داشته‌اند، هر چه میزان عملیات و درگیری‌ها بالا رفته است شاخص‌های اعتیاد نیز بالا رفته و هیچ‌گونه کاهش و نزولی در شاخص‌های اعتیاد مشاهده نشده است. به نظر می‌رسد در خصوص عوامل سطح رسمی بیشترین دستاورد در مقابله با تولید و عرضه صورت گرفته که عمدتاً عناصر دوق پایه قاچاق از این مقابله صدمه دیده‌اند. با وجود بالا بودن سطح کشفیات سالانه نسبت به مواد وارداتی کشور که در خوشبینانه‌ترین برآوردها سالیانه ۲۵ درصد بوده (بر اساس اعلام ناجا حدود ۳۱٪ از تولیدات افغانستان وارد کشور می‌شود که ۷۰۰ تا ۱۰۰۰ تن مصرف داخلی، حدود ۶۰۰ تن کشف و مابقی ترانزیت می‌شود). که ۷۵٪ مابقی یا در اختیار مصرف‌کنندگان قرار گرفته و یا ترانزیت شده است، بدین ترتیب راهبرد ممنوعیت تولید و دسترسی به مواد ناکام مانده و

سوءمصرف کنندگان همواره به مواد مورد نیاز خود دسترسی داشته‌اند. در واقع سیاست‌های سطح رسمی کشور در مبارزه با مواد مخدر حاکی از غفلت قانونگذار در شناسایی گام به گام پدیده پویا و زنده اعتیاد است چرا که آمارهای موجود نشان‌دهنده رشد بی‌رویه شاخص‌های اعتیاد می‌باشد پس سیاست‌های به کار گرفته شده در کشور همسو و همراه با این شاخص‌ها حرکت نکرده است تا بتواند راهبرد مناسب را در برخورد روز به روز با این پدیده اتخاذ نماید (نوری و همکاران، ۱۳۸۶). مسئله عرضه و مصرف مواد اعتیادآور به سمت هر چه پیچیده تر شدن حرکت می‌کند و نیروهای پلیس همواره به عنوان مبارزان پیشرو در برابر این پدیده ایفای نقش نموده‌اند و اما امروز با مشارکت زنان پلیس در این مبارزه این مسئله مطرح می‌شود که زنان پلیس در امر مبارزه با مواد اعتیادآور چگونه می‌توانند ایفای نقش نمایند؟ به کارگیری زنان در نیروی پلیس مبارزه با مواد اعتیادآور دارای چه امتیازاتی است؟ زنان پلیس در عرصه مبارزه با کاهش تقاضا و کاهش عرضه دارای چه توانایی‌هایی هستند؟ بالقوه‌های جنسیتی زنان در جایگاه پلیس مبارزه با مواد اعتیادآور چه کارکردی می‌تواند داشته باشد؟

### ضرورت تحقیق

با توجه به روند مصرف مواد اعتیادآور در کشور با تکیه بر ورود و تولید مواد صنعتی جدید در داخل، همچنین بروز نسل جدید مصرف‌کنندگان پرخطر مواد محرک و افزایش آسیب‌های اجتماعی ناشی از مصرف این مواد در میان خانواده، جوانان و زنان، لزوم به‌کارگیری سازوکار مبتنی بر شناسایی و بازبینی توانایی‌های بالقوه موجود در جامعه ضرورت دارد، بالقوه‌هایی که در میان حصار پیش‌دوری‌ها ناکارآمد و مورد غفلت واقع شده است. از آنجایی که در امر مبارزه با مواد اعتیادآور نیروی پلیس در جایگاه و نقش تعریف شده خود مسئولیت سنگینی را به دوش می‌کشد، به نظر می‌آید پتانسیل موجود جهت برخورد با این پدیده در این ارگان در نیروی انسانی مشغول به خدمت مستتر است. از آنجایی که نیمی از جمعیت کشور را زنان تشکیل می‌دهند که در تمامی عرصه‌های اجتماعی و سیاسی و اقتصادی و... حضوری فعال دارند و همچنین یکی از اقلشار آسیب‌پذیر در جامعه در معرض خطر هستند، نیاز به پلیس

زن در جامعه مشهود است. با عنایت به وجوه مبارزه با مواد در حوزه کاهش عرضه و کاهش تقاضا، بهره‌گیری از توانمندی ارگان‌های درگیر در این مبارزه در دو حوزه فوق با استفاده از تجربه‌های نوین در دیگر کشورها و با تکیه بر توانمندی‌های زنان پلیس اهمیت بسزایی دارد. بررسی موقعیت با نگاهی عمیق ما را به سمت شناسایی توانمندی‌های موجود و پنهانی که تنها نیازمند بهتر دیده شدن هستند، سوق می‌دهد.

### اهداف مطالعه

تعیین امتیازات به‌کارگیری پلیس زن در مبارزه با مواد اعتیادآور  
تعیین بالقوه‌های پلیس زن در امر مبارزه با مواد اعتیادآور  
بررسی عملکرد پلیس زن در عرصه مبارزه با مواد اعتیادآور در دیگر کشورها

### هدف کاربردی

ارتقای کیفی عملکرد نیروی پلیس در امر مبارزه با مواد اعتیادآور  
بهره‌گیری بهینه از منابع انسانی نیروی پلیس در امر مبارزه با مواد اعتیادآور

### روش مطالعه

به منظور شناسایی امتیازات به‌کارگیری زنان در نیروی پلیس مبارزه با مواد اعتیادآور و بررسی عملکرد زنان پلیس در دیگر کشورها به روش مطالعه اسنادی منابع موجود در کشورهای مختلف جهان و تحقیقات پیشین انجام شده در مراکز تحقیقاتی دیگر کشورها مورد بررسی قرار گرفت.

### تصویری از آسیب‌های اعتیاد بر خانواده و زنان

زنان و اعتیاد: نتایج پژوهش انجام شده در مورد زنان همسر معتاد نشان داد زنانی که مورد آزار فیزیکی و خشونت قرار می‌گیرند در برابر عوارض ناشی از زندگی با همسر معتاد تاب‌آور نبودند و

به سوء مصرف مواد روی آوردند. در واقع خشونت و مصرف چند ماده به صورت هم‌زمان توسط همسر حاکی از شدت اعتیاد وی است که بر هر عامل بیرونی اعم از وضعیت اقتصادی پدری زن و حمایت و حضور همسر و عامل درونی اعم از ویژگی‌های دموگرافیک زن، ویژگی‌های شخصیتی و عزت نفس وی تفوق داشته و توانسته است به تسلیم این زنان به شرایط موجود منجر شود. شاید بتوان گفت زنانی بر اثر اعتیاد همسرانشان معتاد می‌شوند که طعم خشونت همسر معتاد خود را نیز چشیده، دچار افت عزت نفس، اضطراب، و افسردگی شده، برای تسکین آلام مضاعف خود، به همان راهی می‌روند که از همسرانشان آموخته‌اند؛ همسرانی که نه تنها با اعتیاد خود همسر را به نحو غیرمستقیم که حتی با خشونت خود او را به نحو مستقیم نیز آزرده‌اند و زمینه را برای تسلیم او فراهم کرده‌اند (نوری و همکاران، ۱۳۸۷). نوع ماده مصرفی اکثریت شوهران وابسته به مواد اعتیادآور تریاک می‌باشد و ماده دوم مصرفی شایع در میان این گروه کراک (هرویین فشرده) و سومین ماده آمفتامین‌ها می‌باشد. تریاک ماده مصرفی غالب این افراد با ماده مصرفی رایج در کشور است که بر اساس ارزیابی سریع وضعیت در سال ۸۶ مطابقت دارد. از سوی دیگر نیز می‌توان گفت از آنجایی که میانگین سنی افراد مورد مطالعه در این تحقیق بین ۳۲ و ۳۴ می‌باشد، به نظر می‌آید تأهل و سن این گروه می‌تواند مبین انتخاب نوع ماده مصرفی باشد که به عنوان ماده غالب در کشور از دیرباز مطرح بوده است. اما در این گروه در مقایسه با نتایج ارزیابی سریع وضعیت سوءمصرف مواد در کشور مصرف آمفتامین‌ها و الکل بالاتر بوده و شیوع هرویین کمتر دیده شد. البته از آنجایی که مواد مصرفی این افراد توسط همسران آنان ذکر شده شاید بتوان گفت آنان از ماده‌های مصرفی شوهرانشان به طور دقیق آگاه نیستند. از سوی دیگر تعداد افرادی که وابسته به مصرف آمفتامین‌ها بوده‌اند نیز به عنوان سومین ماده رایج نباید از نظر دور داشت زیرا نشان‌دهنده اولویت این مواد نسبت به مواد دیگری است که مورد پرسش قرار گرفته و در حال حاضر در میان خانواده‌ها به عنوان یک ماده اعتیادآور آسیب‌زا مشاهده می‌شود و عوارض آن در کنار دیگر مواد خطرناک مانند کراک (هرویین فشرده) مطرح است. در عین حال می‌تواند حاکی از افزایش مصرف محرک‌ها در افراد مصرف‌کننده است.

## خانواده:

همیشه مشخص نیست که رفتار وابسته به مواد توسط یکی از اعضای خانواده تا چه حد باعث ایجاد رفتارهای مشابه در دیگر اعضای خانواده می‌شود. برخی نویسندگان تأکید می‌کنند که اعتیاد نشانگانی است که قانونی جابه‌جا شده برای کشمکش میان دیگر اعضای خانواده فراهم می‌کند و مصرف‌کننده مواد ممکن است نقشی مهم در حفظ تعادل حیاتی<sup>۱</sup> خانواده مختل شده بازی کند. اعتیاد اغلب در خانواده‌هایی دیده می‌شود که در آن، یک یا هر دو والدین (و برخی اوقات وابستگان والدین) مصرف‌کننده مواد و الکل هستند یا مشکل روان‌شناختی دیگری دارند (Sadock & Sadock, 2004).

عمده‌ترین آسیب خانوادگی اعتیاد به مواد مخدر بر روابط عاطفی، جنسی و روانی زن و شوهر در خانواده است. اعتیاد شوهر به انزوا و دوری از همسر و عدم تعلق عاطفی، جر و بحث و درگیری و نزاع زن و شوهر منتهی می‌شود. این وضعیت تأثیرات نامطلوبی بر شخصیت فرزندان می‌گذارد. فشار مالی، خشونت خانوادگی، تغییر نقش‌ها و مسئولیت‌ها، و رفتارهای غیر قابل پذیرش اجتماعی مانند روابط خارج از زناشویی<sup>۲</sup> همگی به آشفتگی<sup>۳</sup> وضعیت خانواده می‌انجامد. مرگ فرد مصرف‌کننده مواد مخدر و جدایی، به‌خصوص در خانواده‌های فقیر می‌تواند اعضای خانواده را به سوی وضعیتهای استثماری پیش ببرد. در موارد شدید این شرایط باعث فرستادن بچه‌ها به خیابان و درگیری زنان در تجارت جنسی می‌شود (IWDFAF, 2003). استرس اضافی ناشی از مقابله با سوء مصرف از مواد در درون خانواده ممکن است پریشانی‌های جسمی و روانی ایجاد کرده و باعث استفاده زن خانواده از الکل و مواد مخدر شود. برخی از زنان ممکن است برای تأمین مواد مخدر همسرشان به روسپی‌گری روی بیاورند و بنابراین در خطر ابتلا به بیماری‌های جنسی مانند ایدز قرار بگیرند (IWDFAF, 2003). زنانی که خودشان مصرف‌کننده مواد نیستند بلکه در خانواده‌ای زندگی می‌کنند که در آن، مرد یا مردان خانواده سوء مصرف مواد دارند، تحت تأثیر این سوء مصرف قرار می‌گیرند. مادران،

1. Homeostasis
2. extra-marital
3. disharmony



همسران، خواهران، و دختران مردان سوء مصرف کننده مواد اغلب سعی می کنند سوء مصرف اعضای خانواده خود را کاهش داده یا پنهان کنند و در نتیجه انجام این کار، ممکن است از پیامدهای منفی سلامتی، اجتماعی و اقتصادی - مانند خشونت خانوادگی - آسیب ببینند (Duongsaa, 1998). به طور خاص، بسیاری از زنان از طریق رابطه جنسی با مردان معتاد و مردانی که در نتیجه استفاده از سرنگ تزریقی مشترک، ناقل ویروس ایدز شده اند، در خطر ابتلا به بیماری عفونی ایدز هستند. برخی زنان که مصرف کننده مواد مخدر نیستند، ممکن است به خودفروشی تن دهند تا هزینه اعتیاد مردانشان را تأمین یا جبران کنند و بنابراین، در خطر ابتلا به بیماری های مقاربتی جنسی و ایدز قرار دارند. مطابق آمار، مردان معتاد اکثریت مبتلایان به ایدز را تشکیل می دهند. لذا احتمال انتقال ایدز از سوی مردان به همسران آنها وجود دارد. اغلب این مردان به دلیل داشتن رابطه جنسی با روسپیان و افراد همجنس به بیماری های جنسی و ایدز مبتلا هستند. همچنین در مصاحبه حضوری اکثر زنان اظهار می کردند که تنظیم خانواده<sup>۱</sup> به عهده آنان است و همسر آنان با وجود داشتن بیماری های عفونی از روش حفاظت کننده<sup>۲</sup> استفاده نمی کند. (Duongsaa, 1998) از سوی دیگر غالباً شوهر معتاد، مواد مخدر را در اختیار همسرش می گذارد و او را در دوراهی اعتماد و عدم اعتماد به شریک زندگی قرار می دهد، و سعی می کند که به دلایل ذیل همسرش را نیز معتاد نماید:

- سوء استفاده از همسر جهت تهیه مواد مخدر؛
- پوشاندن خصوصیات غیر قابل قبول خود و انتقام جویی و تلافی از همسر؛
- جلوگیری از متارکه و جدایی همسر؛
- جلوگیری از نزاع و سرزنش های همسر؛
- داشتن شریک و همدم برای مواقع استعمال و حالات نشگی؛
- علاقه به همسر در جهت رهایی او از دردهایی چون درد زایمان، سرطان و....

---

1. family planning  
2. barrier

## روسپی‌گری

اعتیاد مردان یکی از عوامل مؤثر در گرایش زنان به روسپی‌گری است. نتایج یکی از تحقیقات پیرامون زنان روسپی نشان می‌دهد که اغلب آن‌ها از خانواده‌های نابسامان بوده‌اند که به علت اعتیاد و بیکاری همسر طلاق گرفته‌اند. براساس تحقیق فوق، تعداد زیادی از زنان روسپی مورد مطالعه، چه قبل از آغاز روسپی‌گری و چه بعد از آن، دارای پدر و همسر معتاد یا قاچاقچی بوده‌اند. همچنین در برخی موارد، مردان معتاد همسر خود را مجبور به خودفروشی جهت تأمین مواد مخدر می‌نمایند و بدین ترتیب زن با اجبار همسر به روسپی‌گری کشیده می‌شود. تحقیقی تحت عنوان عوامل زمینه‌ساز تن دادن زنان به روسپی‌گری توسط دکتر شهین علیایی زند انجام شد که با ۱۴۷ زن روسپی مصاحبه شد نتیجه اینکه ۷۴٪ این زنان همسر معتاد داشتند و ۶٪ توسط شوهر وادار به روسپی‌گری شده‌اند. در تحقیق دیگری که علل فرار زنان از خانه مورد مطالعه قرار گرفت، نتایج نشان داد که ۳۹٪ زنان مورد نظر دارای همسر معتاد بودند (محمدی، ۱۳۸۳). پژوهش دانگسا<sup>۱</sup> (۱۹۹۸) نشان می‌دهد بسیاری از زنان از طریق رابطه جنسی با مردان معتاد و مردانی که در نتیجه استفاده از سرنگ تزریقی مشترک، ناقل ویروس ایدز شده‌اند، در خطر ابتلا به بیماری عفونی ایدز هستند. برخی زنان که مصرف‌کننده مواد مخدر نیستند، ممکن است به خودفروشی تن دهند تا هزینه اعتیاد مردانشان را تأمین یا جبران کنند و بنابراین، در خطر ابتلا به بیماری‌های مقاربتی جنسی و ایدز قرار دارند.

## خشونت علیه زن

صاحب‌نظران معتقدند بدترین و شایع‌ترین خشونت علیه زنان، مربوط به خشونت‌هایی است که در خانواده و از سوی اعضای خانواده به‌ویژه همسران رخ می‌دهد. کارشناسان بروز خشونت علیه زنان و افزایش آن را علاوه بر فشارهای اقتصادی، مشکلات روحی و روانی، ناشی از مصرف الکل و مواد مخدر می‌دانند، به طوری که یافته‌های یک تحقیق در سال ۱۳۷۹ در مورد ۴۳۹ زن کتک خورده از همسر نشان می‌دهد که ۴۰ درصد از زنان دارای همسر معتاد به

1. Duongsaa

مواد مخدر بوده‌اند. همچنین نتایج یک تحقیق نشان می‌دهد که بین اعتیاد مردان و خشونت زناشویی ارتباط وجود دارد و مواد مخدر به دلیل تغییراتی که در سیستم عصبی ایجاد می‌کند، زمینه انواع تعرضات و خشونت‌ها را فراهم می‌آورد. معتادان به‌ویژه در حالت احتیاج و خماری از ارتکاب هیچ عملی حتی خشن خودداری نمی‌کنند. اغلب مردانی که به همسران خود آسیب می‌رسانند، قبل از آسیب‌رسانی، مواد مخدر مصرف کرده‌اند، همچنین اکثر مردانی که از کودکان سوءاستفاده جنسی می‌کنند، دارای سابقه مصرف مواد مخدر بوده‌اند. نتایج تحقیقات نشان می‌دهد که ارتباط مثبت بین اعتیاد مردان و خشونت خانگی حدود ۴۴ درصد است (محبوبی منش، ۸۳) شواهد آماری حاکی از آن است که ۳۴ درصد از طلاق‌های کشور ناشی از اعتیاد و مسائل مربوط با مواد مخدر است (عفتی، ۸۲) و ۶۰٪ علل درخواست طلاق از سوی زنان اعتیاد همسر و عدم دریافت نفقه می‌باشد (شورای فرهنگی اجتماعی زنان، ۱۳۸۲). در گزارش دیگری آمده است که ۲۳/۵٪ از موارد طلاق به علت اعتیاد همسر و ۴۲/۴٪ به علت عدم دریافت نفقه می‌باشد (روزنامه کیهان ۸۱/۱۲/۱۲). یافته‌های حاصل از دو تحقیق فوق مؤید یکدیگر می‌باشد. گندولف نشان می‌دهد که ۱/۲ تا ۱/۴ مردانی که خشونت خانگی را مرتکب می‌شوند مشکلات سوءمصرف مواد مخدر دارند (شورای فرهنگی اجتماعی زنان، ۱۳۸۲). در میان اعضای خانواده‌های معتاد به جای مهر و عطوفت، خشونت حاکم است. بررسی وضعیت رفتارهای فردی و اجتماعی معتادان در یک مطالعه نشان می‌دهد که این افراد اعضای خانواده را مورد ضرب و شتم قرار می‌دهند و زمان‌های حضور در خانه و در کنار خانواده بسیار اندک است (نوری، ۱۳۸۳).

### طلاق:

قاطعیت و قوت این فرض بیشتر است که خانواده‌ای که در آن اعتیاد وجود دارد در معرض از هم پاشیدن و گسست بوده و در عین حال آمارها نیز نشان داده است که تعداد زیادی از طلاق‌ها به علت اعتیاد همسر رخ داده است.

نتایج مطالعه وضعیت اعتیاد در طی دو دهه در کشور حاکی از این امر بود که در سال ۱۳۷۲

افت میزان طلاق مشاهده می‌شود اما در سالهای بعد میزان طلاق به طور صعودی افزایش داشته است که در سالهای ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۲ به بیشترین میزان خود رسیده است. در همین سالها با رشد پدیده‌های مرتبط با اعتیاد نیز مواجه هستیم. از آنجایی که سرایت بیماری فردی اعتیاد به جامعه آن را در حد و اندازه یک پدیده اجتماعی - فردی به میدان تحلیل‌های اجتماعی کشانده است لذا پیوستگی کنش‌های در هم تنیده فرد و جامعه در بناگذارن تار و پود این پدیده نقش داشته است. فرد در تعامل با جامعه قرار می‌گیرد و عمل می‌کند یا به نوعی انتخاب می‌کند و این انتخاب‌ها خود پاسخی به جامعه است. چنانچه این پاسخ، سوء مصرف مواد اعتیادآور باشد می‌تواند حامل عوارضی برای جامعه باشد (نوری و همکاران، ۱۳۸۷).

## امتیازات به‌کارگیری پلیس زن در مبارزه با مواد اعتیادآور بر اساس مطالعات انجام شده

### مدیریت موقعیت‌های خشونت‌آمیز

این واقعیت است که افسران پلیس زن حقیقتاً به‌توسل مفرط به زور تمایل کمتری دارند (Anderson, 2003). استفاده مفرط از زور، برای افراد درگیر عوارض جدی در بر دارد. وقتی اتفاقات به‌طور غیرضروری به خشونت می‌انجامد هم پلیس و هم اعضای جامعه ممکن است کشته یا زخمی شوند. به علت توسل به خشونت بیش از حد از سوی افسران، هر سال، عامه مردم و اعضای پلیس متحمل صدمات و یا از دست دادن زندگی‌شان می‌شوند. همین امر کافی است تا نیروهای اجرایی پلیس برای کاهش توسل به زور راهکاری بیندیشند.

از دیگر نتایج نامطلوب توسل به خشونت [از طرف پلیس] این است که اعتماد میان پلیس و عامه مردم را کاهش می‌دهد. هر اتهام مسلم [توسل به خشونت بیش از حد] اطمینانی را که مردم نسبت به اداره پلیس خود دارند تحلیل می‌برد و نتیجتاً تأثیرگذاری پلیس را در مبارزه موفقیت‌آمیز با جرم و دفاع از شهروندان محدود می‌نماید. وقتی جامعه به پلیس اعتماد نکند، همکاری خود را، که برای انجام مؤثر و صحیح وظایف پلیس ضروری است قطع خواهد کرد. به خاطر همه این دلایل، ضروری است که رؤسای پلیس، پویایی قوه قهریه و نقشی را که جنسیت

افسران ایفا می‌کند درک کنند. طی مطالعات انجام گرفته، به طور متوسط، یک پلیس زن گشتی به طور معنی داری کمتر از یک پلیس مرد از زور [قهر] بیش از حد استفاده می‌کند و در نتیجه حقوق شهروندان و نیز مسئولیت مدنی اداره خود را کمتر در معرض تهدید قرار می‌دهد. به عنوان مثال بررسی‌های انجام گرفته در هفت اداره پلیس بزرگ در آمریکا نشان داد که پلیس‌های زن فقط در ۵ درصد از شکایت‌های شهروندان به دلیل به کارگیری خشونت مفرط و ۲ درصد به دلیل تأیید به کارگیری خشونت مفرط ارتباط داشته‌اند (Lonsway, ۲۰۰۳). مطالعاتی که مواردی از زور تحقیقی (قهر) را که در «طیف توسل به زور» بالاتر هستند بررسی می‌کنند، تفاوت جنسیت را بهتر نشان می‌دهند. شان گرنان<sup>۱</sup> در سال ۱۹۸۷ تحقیقی انجام داد و به این نتیجه دست یافت که در اداره پلیس نیویورک، افسران زن کمتر از همکاران مرد خود از سلاح گرم استفاده می‌کنند. مطالعه دیگری در سال ۱۹۹۱ میزان توسل بیش از حد به زور توسط افسران زن و مرد را مورد آزمون قرار داد. کریستوفر کامیشن<sup>۲</sup> - که پس از واقعه کتک کاری رادنی کینگ<sup>۳</sup> در لوس آنجلس منصوب گردید - همه گزارشات توسل به زور، شکایات شهروندان و دادخواهی‌های انجام گرفته علیه اداره پلیس لوس آنجلس (LAPD) در رابطه با خشونت مفرط را مورد تحلیل قرار داد. در واقع تمام معیارهایی که توسط کامیشن مورد آزمون قرار گرفتند این مطلب را تصدیق نمودند که افسران زن LAPD به میزان قابل توجهی کمتر از افسران مرد در موارد توسل بیش از حد به زور نقش داشتند. در مطالعه‌ای که انجمن بین‌المللی رؤسای پلیس<sup>۴</sup> (IACP) انجام داد کلیه ۱۲۹۹۶۳ مورد گزارشات پلیس (از سال ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۰) که شامل شواهدی از توسل به زور<sup>۵</sup> بود مورد مطالعه قرار گرفت و مشاهده شد در ۱۱/۲ درصد موارد [توسل به زور]، زنان شرکت داشتند. بر اساس این می‌توان

---

1. Sean Grennan

2. Christopher Commission

3. Rodney King

سیاه پوستی که توسط افسران پلیس سفید پس از یک تعقیب و گریز طولانی در لوس آنجلس به شدت مورد ضرب و شتم قرار گرفت و نوار ویدیویی آن موجب بلوای تبلیغاتی قرار گرفت.

4. International Association of Chiefs of Police

۵. استفاده از سلاح‌های الکترونیک، سلاح‌های گرم و سلاح‌های شیمیایی (مانند اسپری فلفل، گاز اشک‌آور و...)

نتیجه گرفت که در موارد جدی‌تر توسل به زور، زنان در مقایسه با نسبت کل زنان سوگند یاد کرده در نیرو حضور کم‌رنگ‌تری داشتند. با کنار هم قرار دادن مطالعه IACP و کامیشن می‌توان گفت افسران زن نسبت به توسل به زور بی‌میل نیستند ولی در موارد توسل بیش از حد به زور، کمتر درگیر می‌شوند. زیرا افسران زن - به جای استفاده از نیروی فیزیکی - به استفاده از روش‌هایی متمایل هستند که بیشتر به مهارت‌های ارتباطی مربوط می‌شود. زنان با کاربرد مهارت‌ها و فونونی که تشخیص موقعیت‌های بالقوه خشونت‌آمیز را می‌کاهد، مواردی را که احتمالاً منجر به اتهام خشونت مفرط می‌شود به طور موفقیت‌آمیزی حل و فصل می‌نمایند. البته ممکن است منتقدان مدعی شوند که نام زنان کمتر در موارد خشونت مفرط عنوان می‌شود به این دلیل که آنان از موقعیت‌های بالقوه خطرناک - که احتمالاً به توسل به زور و در نتیجه اتهام به خشونت مفرط می‌انجامد - احتراز می‌کنند. با این حال، این استدلال درباره تحقیقات مذکور صدق نمی‌کند. برای مثال، این تحقیق به مرور وقایعی می‌پردازد که در آن زنان به اندازه هم‌تایان مرد خود، در طول انجام وظایف گشت‌زنی روزمره به زور متوسل می‌شوند (Lonsway et all, 2002). البته بررسی‌های صورت گرفته سال‌ها قبل از این تحقیق نیز با کنترل متغیرهای حساس، جایی برای انتقاداتی از این دست باقی نگذاشتند. از جمله این مطالعات می‌توان به کار گرانان اشاره نمود. جمعیت نمونه این تحقیق شامل تیم‌های گشت‌زنی مرد با مرد، زن با مرد و زن با زن بود که در درگیری‌های خشونت‌آمیز با شهروندان در ادارات پلیس نیویورک در طول سال ۱۹۸۳ حضور داشتند. مجموعه‌ای کلی از ۳۷۰۱ حادثه مورد بررسی قرار گرفت. یافته‌های تحقیق نشان داد که هیچ تفاوتی در میزان صدمات جسمی بین تیم‌های گشت‌زنی مرد با زن و تیم‌های گشت‌زنی مرد با مرد وجود ندارد. به طور کلی این تحقیق دریافت که هیچ تفاوت اساسی بین روش‌های مواجهه یک پلیس مرد یا زن در تیم گشت‌زنی در واکنش به یک درگیری خشونت‌آمیز وجود ندارد. یافته‌ها هم چنین نشان داد که در تیم‌های گشت‌زنی مرد با زن احتمال اینکه پلیس‌های مرد از سلاح گرم استفاده کنند بیشتر از پلیس زن است. در نهایت، احتمال آسیب دیدگی پلیس‌ها در طول حملات کاملاً خشونت‌آمیز [بدون استفاده از سلاح گرم] بیشتر از مواردی است که ممکن است از اسلحه گرم

استفاده کنند (Grennan, 1987).

تحقیق انجام شده در ایالات متحده و به صورت بین‌المللی صریحاً مشخص کرد که پلیس‌های زن از شیوه‌ای از حفظ نظم و آرامش استفاده می‌کنند که کمتر مبتنی بر نیروی جسمی می‌باشد. آن‌ها در تعدیل و کاهش تعارضات خشونت‌آمیز با شهروندان بهتر عمل می‌کنند و احتمال درگیری آن‌ها در حوادثی که نیاز به خشونت بیش از حد داشته باشد، کمتر است (Homant and Kennedy, 1985).

به طور سنتی، به قدرت بدنی به عنوان مهارتی ضروری برای هر افسر پلیس نگرسته شده است، با این حال تأکید بر مهارت‌های ارتباطی اولویت یافته است. افسران پلیس، هم اکنون، به دوره‌های آموزشی فرستاده می‌شوند که به جای خشونت فیزیکی، آموزش‌های از قبیل «جودو کلامی»<sup>۱</sup> و دیگر فنون مؤثر برای مواجهه با موارد خصومت‌آمیز را در بر می‌گیرند (Anderson, 2003).

با افزایش زنان در ادارات پلیس، از میزان دیون<sup>۲</sup> این ادارات کاسته می‌شود. شکایاتی که مردم از زنان می‌کنند، در صورت وجود، نوعاً مستند و قابل اثبات نیستند. (همان) مطالعات نشان داده است که زنان در مواقع ضروری نسبت به توسل به زور مردد نیستند، اما در به کار بردن خشونت و مبارزات فیزیکی مهلک، طی انجام وظایف خود کمتر درگیر می‌شوند. آن‌ها بیشتر تمایل دارند با شهروندان ارتباط برقرار کنند و با هم [کمک مردم] و راه‌حل‌های خلاقانه به حل مسایل بپردازند. این امر، در مقابل، یک تصویر مردمی مثبت از ادارات پلیس ایجاد می‌کند که در جهان امروز مدیران مصرانه در جستجوی آن هستند.

۱. اصول و فوننی که افراد را به استفاده از «حضور و گفتار» تجهیز می‌نماید تا افراد سخت [پرخاشگر] را که احتمالاً تحت احساسات یا دیگر تاثیرات شدید قرار دارند آرام نمایند، رفتار افراد متخاصم را هدایت کنند، موقعیت‌های بالقوه خطرناک را خنثی نمایند، تحت هر شرایطی حرفه‌ای عمل کنند و از رویارویی‌ها نتایج مطلوب به دست آورند.

۲. جریمه‌های نقدی که ادارات پلیس در قبال خسارات وارده به مردم در موقعیت‌های توسل مفرط به خشونت ملزم به پرداخت می‌شوند.

### پتانسیل به‌کارگیری مهارت‌های ارتباطی

مراقبت از اجتماع، رویکرد جدیدی در اجرای قانون است که بر ارتباط و همکاری با شهروندان به‌عنوان شیوه غیررسمی حل مسئله تأکید دارد. بنابراین توجه به این نکته مهم است که شهروندان افسران زن را نسبت به افسران مرد مطلوب‌تر ارزش‌گذاری نموده و شکایات کمتری از آنان داشته‌اند.

یک پلیس خوب می‌داند که چگونه یک وضعیت را با بحث کردن آرام کند. در نوشته‌های از نیویورک تایمز، تیموتی ایگان توضیح می‌دهد که چگونه یک پلیس خوب از مهارت‌های ارتباطی در همه جنبه‌های کاری استفاده می‌کند و اغلب می‌تواند نیاز به کارگیری زور را با کاهش موقعیت‌های خشونت‌آمیز کاهش دهد. با این معیار، زنان می‌توانند پلیس‌های خوبی باشند همان‌طور که این مسئله در تحقیقی که در آمریکا و به صورت بین‌المللی انجام شد اثبات گردید (Lonsway, 2003).

پلیس‌های زن اغلب دارای مهارت‌های ارتباطی بهتری نسبت به همکاران مرد خود هستند و بهتر می‌توانند در زمینه همکاری و اعتماد مورد نیاز برای کار پلیس کمک کنند. بنابراین، استخدام و به‌کارگیری بیشتر زنان در اجرای قانون روشی مؤثر در عنوان کردن مسائل مربوط به شکایت‌های شهروندان و خشونت بیش از حد می‌باشد (and Homant Kennedy, 1985).

پژوهش نشان داد که زنان تشنج موقعیت‌های بالقوه خشن را تخفیف می‌دهند و با احتمال کمتری به خاطر توسل مفرط به زور از آنان شکایت می‌شود و بهتر از هم‌تایان مرد خود ارتباط برقرار می‌کنند (Anderson, 2003).

در مجموع، مردان و زنان در امور پلیسی به یک میزان تأثیرگذارند، حال آنکه افسران زن بیشتر متمایل‌اند با تأکید بیشتر بر ارتباطات، اتکای کمتر بر نیروی فیزیکی، و اساساً تمایل کمتر به درگیر شدن در مسائل [توسل به] زور بیش از حد، وظایف شغلی خود را انجام دهند. زنان با خود مزایای باز هم بیشتری وارد عرصه اجرایی قانون می‌نمایند. مثلاً افسران زن



نگرش بدبینانه (کلبی) کمتری نسبت به شهروندان دارند، و چنانچه در گزارشات آمده است، در مقایسه با همکاران مرد خود، از اصول پاسبانی جامعه بیشتر حمایت می‌نمایند. موارد فوق امتیازاتی هستند که فرماندهان پلیس نباید از آن‌ها چشم‌پوشی نمایند به ویژه در دوره حاضر که ادارات پلیس به دنبال تعداد بیشتری کارکنان واجد شرایط برای آموزش هستند (Lonsway et all, 2002).

نتایج به دست آمده طی یک مطالعه حاکی از آن بود که افسران مرد ۵۰٪ بیش از هم‌تایان زن خود از سوی شهروندان مورد توهین و تقریباً سه برابر بیشتر مورد تهدید و هدف آسیب‌رسانی قرار گرفته‌اند. در مطالعه دیگری، مدرسین آموزشی پلیس نشان دادند که افسران زن در چندین زمینه از هم‌تایان مرد خود ممتاز ترند: همدلی با دیگران و تعامل داشتن نه در جهت اثبات چیزی [اثبات تفوق در اجرای اموری که به طور سنتی مردانه در نظر گرفته می‌شود]. افسران زن، به سهم خود، نسبت به همکاران مرد خود از اصول نظارت اجتماعی<sup>۱</sup> حمایت بیشتری می‌کنند و نگرشی محترمانه‌تر و توأم با بدبینی کمتر نسبت به شهروندان دارند؛ و اهمیت این امر از آن روی است که چنین تمایلی منجر به کاهش احتمال توسل مفرط به زور می‌گردد. در واقع، چنین استدلال می‌شود که ادارات پلیسی که برای کنترل جرم، به جای سبک‌پلیسی جامعه‌گرا تر، بر توسل به زور تأکید دارند، به احتمال بیشتر افسرانی با ویژگی‌های - بنا بر تصور قالبی - مردانه انتخاب می‌نمایند (Lonsway, 2003).

### حفاظت از آرامش خانواده در خشونت‌های خانگی

تغییر الگوی مصرف مواد با عوارض و اختلالات روانی همراه است به گونه‌ای که خانواده‌های مصرف‌کنندگان به طور مستقیم در معرض خشونت و رفتارهای پرخطر فرد مصرف‌کننده در خانواده هستند. قربانیان خشونت خانگی در جهان زنان و کودکان می‌باشند. در امریکا خشونت خانگی حدود نیمی از جرایم خشونت‌آمیز گزارش شده به ادارات پلیس (Lonsway et all, 2002) - امدادطلبی از پلیس است. زمانی که قربانیان زن این تهاجمات را به افسران

پلیس گزارش می‌کنند و واکنشی نمی‌بینند، این امر، منجر به بی‌میلی آنان در گزارش موارد احتمالی آینده خواهد شد. وقتی افسران به طور نامناسب به شکایات مرتبط با تهاجم خانگی رسیدگی کنند، دیون ادارات [پلیس] افزایش می‌یابد.

افسران زن در موارد خشونت خانگی واکنش موثرتری نشان می‌دهند. (همان) آنان نسبت به زنان قربانی این جرم، توجه، بردباری و درک بیشتری از خود نشان می‌دهند. شواهد علمی حاکی از این است که قربانیان، با دیدن واکنش پلیس [در موارد خشونت خانوادگی]، عملکرد افسران زن را مطلوب‌تر ارزش‌گذاری نمودند (Anderson, 2003). این تصور در میان اجتماع، مریبان آموزش پلیس و خود پلیس‌های زن مشترک است (Lonsway, 2003).

تحقیقی نشان داد سالانه ۲ تا ۳ میلیون زن در آمریکا توسط مردانی که با آن‌ها زندگی می‌کنند مورد رفتار خشونت‌آمیز قرار می‌گیرند. به علاوه، برآوردهای ملی نشان می‌دهند که یک نفر از شش نفر زن آمریکایی مورد تجاوز جنسی و یک نفر از ۱۲ نفر در طول زندگی خود مورد تعقیب قرار می‌گیرند. میزان این مسئله اهمیت واکنش پلیس را نسبت به جنایت‌های مربوط به خشونت علیه زنان مورد تأکید قرار می‌دهد.

نتایج تحقیقی که در سال ۱۹۸۵ انجام گرفت موید این مطلب است که افسران زن اثبات کرده‌اند در زمان پاسخ‌گویی به موارد مربوط به خشونت خانوادگی نسبت به همکاران مرد خود نگرانی، صبر و درک بیشتری دارند. زنان آسیب دیده که با پلیس زن تماس می‌گیرند واکنش پلیس را [در مقایسه با سایر تماس‌هایی که با پلیس گرفته می‌شود] موثرتر و مثمر‌تر ارزیابی می‌کنند (همان).

عدم موفقیت در این زمینه اهمیت زیادی دارد. واکنش غیر مؤثر پلیس نسبت به این مسئله، قربانیان خشونت را از ارائه گزارش‌های بعدی باز می‌دارد. از آنجا که ادارات به طور روز افزون مسائل کنترل صحیح خشونت خانوادگی هستند، واکنش نامناسب، هم چنین باعث دعاوی قضایی می‌شود. از دیگر سوی، منافع موفقیت در این زمینه نیز مهم است. پاسخ‌گویی مؤثر پلیس، اعتماد به نفس زنان آسیب دیده را بهبود می‌بخشد و احتمال ارتباطات آسیب‌زننده را افزایش می‌دهد.

## ویژگی‌های فردی و شخصیتی

اگرچه تعدادی از مطالعات اظهار داشته‌اند که زنان برای انجام کار پلیس به اندازه کافی قوی و یا تهاجمی نیستند، توانایی جسمی به طور کلی پیش‌بینی‌کننده اثر بخش بودن پلیس یا توانایی اداره کردن موفقیت‌آمیز موقعیت‌های خطرناک نیست.

پرایس در مطالعه‌ای ۲۶ نفر از فرماندهان پلیس زن را مورد بررسی قرار می‌دهد که در نه مورد از یازده مورد ویژگی‌های مدیریتی، نسبت به گروه ۲۲۶ نفری از مدیران پلیس مرد برتر بودند. با بررسی ویژگی‌های شخصیتی مشخص شد که زنان نسبت به همکاران مرد خود کمتر سلطه‌پذیر<sup>۱</sup> و آزارگرند و خصومت کمتری نسبت به مردم در زمینه‌های اجتماعی یا نژادی مختلف دارند ولی نسبت به آن‌ها خلاق‌ترند (Price, 1974).

مطالعات نشان می‌دهد زنان دارای درجات نظارتی [مدیریتی]، از تحصیلات بالاتر برخوردارند و سبک مدیریتی ممتازتری را نشان می‌دهند. طبق گزارش تحقیق NWP، مدیران زن ادارات پلیس، منعطف‌تر، دارای اعتماد به نفس بیشتر، آینده‌نگرتر و خلاق‌تر از مردانی هستند که دارای ویژگی‌های قدرت‌طلبی و پیش‌داوری بارزتر می‌باشند. افسران پلیس زن به شایستگی مردان بوده و می‌توانند به اندازه آنان موفق باشند (Anderson, 2003).

بررسی‌های دیگر حاکی از این است که فرماندهان پلیس زن، منعطف‌تر، از نظر احساسات مستقل‌تر، خود بیانگرتر<sup>۲</sup>، دارای اعتماد به نفس بیشتر، دارای پیش‌دستی بیشتر در امور و خلاق‌تر از هم‌تایان مرد خود تشخیص داده شدند. در مقابل، فرماندهان پلیس مرد از زنان مورد مطالعه قدرت‌طلب‌تر و متعصب‌تر بودند (Lonsway, 2003).

شواهد حاکی از آن است که افسران مرد و زن، در تأمین موفقیت‌آمیز مطالبات حرفه‌ای اجرای قانون شایستگی یکسانی دارند. جوزف بالکین مشاهده کرد که «همه زنان قادر به انجام مشاغل پلیسی نیستند اما این قاعده برای مردان نیز وجود دارد». واقعیت این است که «با برخی ملاحظات، دست کم، زنان برای کار پلیس از مردان مناسب‌ترند». (همان)

1. Submissive
2. self-assertive

### مزایای اجتماعی به‌کارگیری پلیس زن

بر اساس بررسی‌های انجام گرفته افسران زن و مرد وقتی با معیارهای متنوعی مورد سنجش قرار می‌گیرند، به یک اندازه تأثیرگذار تشخیص داده می‌شوند. این معیارها عبارتند از: فعالیت‌ها یا بهره‌وری در گشت، تعهدشان به سازمان‌های اجرایی قضایی، و ارزشیابی عملکرد آنان در آموزش‌شده و نیز در محل کار (Lonsway et all, 2002).

مطالعات نشان داده‌اند که اعضای جامعه پلیس‌های زن را برای پاسخ به موقعیت‌های خطرناک ترجیح می‌دهند و معتقدند که آن‌ها بهتر قادرند که این تعاملات را تعدیل کنند. تحقیقی دیگر نشان داد که ۹۳ درصد از پاسخگویان تیم پلیس متشکل از پلیس زن و مرد را با هم برمی‌گزینند.

تحقیقی نشان داد که پلیس‌های زن نه تنها احتیاط منطقی بیشتری را نسبت به هم‌تایان مرد نشان می‌دهند بلکه این گرایش را در هم‌تایان مرد خود نیز افزایش می‌دهند. با افزایش به‌کارگیری و استخدام زنان، ادارات پلیس می‌توانند تمرکز خود را بر مهارت‌های میان فردی و همکاری با اجتماع قرار دهند.

همچنین شواهد حاکی از آن است که زنان در امور اجرای قانون، با احتمال کمتری، اشکال مختلف بدرفتاری از خود بروز می‌دهند. بنابراین شگفت‌آور نیست که برخی پیشنهاد کرده‌اند به عنوان راهی برای بهبود سیمای مردمی اداره پلیس، افسران زن بیشتری به کار گرفته شود. چندین اداره پلیس در مکزیک و آمریکای لاتین، بخش‌هایی کاملاً زنانه برای رسیدگی به تخلفات عبور و مرور تأسیس نموده‌اند زیرا زنان کمتر رشوه قبول می‌کنند و در دیگر اشکال انحراف کمتر درگیر می‌شوند (Lonsway, 2003).

محققین معتقدند به‌کارگیری زنان بیشتر در ادارات پلیس، توأم با تغییرات مثبت دیگری خواهد بود. این امر علاوه بر تطابق با قانون اساسی، باعث بهبود فرایند انتخاب، استخدام و حفظ همه کارکنان سوگند خورده [اعم از زن و مرد] می‌شود. پلیس معتقد است معرفی زنان، انگیزه‌ای ایجاد خواهد کرد تا بسیاری شیوه‌های مدیریتی - که در حال حاضر کمتر قابل قبول‌اند و باید به طور یکسان برای مرد و زن اجرا شوند - مورد بازبینی قرار گیرند. این امر ممکن است

باعث ایجاد معیارهای انتخاب بهتر، الگوهای عملکرد و نظارت برای همه افسران شود. (همان) تحقیق و تجربه عملی مشابه، همه دلایل ممکن برای استخدام و به کارگیری تعداد بیشتری از زنان در اجرای قانون را فراهم می‌کند که این کار دارای فوایدی نه فقط برای زنان در حرفه پلیس است بلکه برای همکاران مرد، ادارات پلیس بزرگتر و جوامعی که در آن خدمت می‌کنند نیز سودمند می‌باشد (Lonsway, 2000). مثلاً افزایش حضور زنان در نیروی پلیس می‌تواند مسئله مهم دیگر یعنی مسئله تبعیض و آزار و اذیت جنسیتی را با تغییر فضای ادارات پلیس عنوان کند (Homant and Kennedy, 1985).

در نتیجه، گسترش ذخیره کارکنان پلیس [منابع انسانی]، کاهش هزینه جذب نیرو، جلوه اجتماعی بهتر ادارات پلیس، افزایش کارایی افسران پلیس (در اثر تغییر معیارهای استخدام)، کاهش هزینه‌ها و خسارات اجتماعی و اقتصادی مأموریت‌های پلیس، کاهش تنش‌های موجود در فضای ادارات پلیس و بهره‌مندی از نیروی مردم در انجام مأموریت‌ها از مهمترین مزایای به کارگیری بیشتر افسران زن است.

### پلیس زن و مبارزه با مواد اعتیادآور

پس از بررسی امتیازات و محدودیت‌های حضور زنان در عرصه فعالیت‌های پلیسی و مروری بر حوزه‌های نیازمند مداخلات ساختاریافته در مورد مواد اعتیادآور در کشور، تلفیق این یافته‌ها می‌تواند با ارائه تصویری کارکردی و عمل‌گرایانه از برقراری ارتباط میان امتیازات حضور پلیس زن و مداخلات عرصه مبارزه با مواد اعتیادآور، از حوزه تئوری خارج شده و با ارائه پیشنهادات مبتنی بر شواهد علمی در فضای جدید اجرایی قرار گیرد.

روند مصرف مواد اعتیادآور به سمت از هم پاشیدگی نهاد خانواده حرکت می‌کند؛ نهادی که بنیان ساختار اجتماعی بر آن استوار است. رویکرد مطالعات اخیر در حوزه سبب‌شناسی اعتیاد با لحاظ نمودن اهمیت ساختارهای مهم همچون خانواده، لزوم به کارگیری دقیق‌تر راه‌های پیشگیرانه را مورد توجه قرار می‌دهد. پیشگیری به عنوان راهبردی عقلانی در برابر آسیب‌های جامعه انسانی با تمرکز بر خانواده، مدرسه و محل‌های کار و زندگی از مهم‌ترین ابزار مبارزه

علیه مواد محسوب می‌شود. لذا با تمرکز بر مطالعات موجود در دنیا در خصوص ویژگی‌های جنسیتی و روانشناختی زنان و تقسیم‌بندی موضوعات مبارزه با مواد در حوزه کاهش عرضه و کاهش تقاضا، امتیازات به‌کارگیری زنان در نقش پلیس زن و در مداخلات مرتبط را مورد مذاقه قرار می‌دهیم.

### الف- کاهش عرضه

بازرسی اماکن عمومی اعم از منازل سالخورده‌گان، زنان و کودکان: با توجه به یافته‌های این مطالعه و بر اساس تجربه‌های دیگر کشورها، زنان پلیس در جایگاه نماینده اجرای قانون با توان برقراری ارتباط، توانایی ایجاد آرامش در موقعیت عملیات بازرسی را دارا هستند. بر این اساس، برنامه‌های آموزشی جدید ویژه زنان پلیس در سایر کشورها مانند جودو کلامی و دیگر فنون مؤثر برای مواجهه با موارد خصومت‌آمیز با تکیه بر این اولویت تدوین شده است. شناسایی این ویژگی در زنان که نشان‌دهنده تمایل آنان به استفاده از روش‌های جایگزین برخورد‌های خشونت‌آمیز است، برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران حوزه‌ی اجرایی قوانین را به فکر دستیابی به راه‌های دیگری انداخت تا از بروز خسارات ناشی از ایجاد فضای خشونت‌آمیز در اماکن عمومی جلوگیری شود. همچنین با توجه به پتانسیل به‌کارگیری راه‌حل‌های خلاقانه توسط زنان نتایج بهتری در حوزه اجرای قانون حاصل شود. بررسی‌ها نشان داده است زنان با کاربرد مهارت‌ها و فنونی که تشنج موقعیت‌های بالقوه خشونت‌آمیز را می‌کاهد، مواردی را که احتمالاً منجر به اتهام خشونت مفرط می‌شود با موفقیت حل و فصل می‌نمایند؛ البته این به علت احتراز آن‌ها از این موقعیت‌ها نیست. بررسی‌ها نشان می‌دهد زنان به اندازه‌ی هم‌تایان مرد خود هنگام انجام وظایف گشت‌زنی روزمره به زور متوسل می‌شوند (Lonsway et all, 2002). بدین ترتیب می‌توان به تصویر مردمی از چهره پلیس در ابعاد ملی و بین‌المللی دست یافت و به موجه‌تر شدن چهره اجتماعی پلیس و همکاری بیشتر مردم با نیروی پلیس امیدوار بود.

تمسک به رویکردی انسان‌گرایانه، توجه به این مهم که جامعه انسانی با تکیه بر توانمندی‌های انسانی می‌تواند به ضمانت اجرای قوانین مدون خود دست یابد، اهمیت به‌سزایی دارد. انعکاس

نقش پلیس زن را در ماموریت‌های مقابله با عرضه مواد با تمرکز بر عوارض و خسارات برخوردهای خشونت بار می‌توان به شرح زیر برشمرد:

۱. کاهش عوارض جسمی، روحی و روانی حاصل از رفتارهای خشن یا استرس‌زا خصوصاً برای زنان باردار، افراد سالخورده و کودکان.

۲. کاهش خسارات مالی که متوجه پلیس و اموال عمومی و همچنین اموال خصوصی مردم می‌شود.

۳. کاهش خسارات جانی که ممکن است بر نیروی پلیس، متهمین و مردم وارد شود.

۴. کاهش عوارض روانی وارده به ویژه برای مردم عادی که شاهد صحنه‌های خشن هستند.

۵. کاهش خسارات اجتماعی که با تهدید آرامش روانی جامعه و احساس امنیتی شدن فضای اجتماع می‌تواند بر مشارکت مردم با نهادهای پلیسی و قضایی اثر سوء بگذارد.

۶. کاهش عوارض سیاسی ناشی از مظلوم جلوه دادن متهمان در رسانه‌ها، برچسب عدم رعایت حقوق بشر، و کاهش احتمال اتهام مدیریت انتظامی و امنیتی جامعه مبنی بر ایجاد تنش در فضای سیاست داخلی و بین‌المللی

فضاهای برون‌شهری و مرزها: با توجه به اثبات توانایی (جسمی، روحی و فکری) و توانایی‌های مدیریتی زنان، حضور آنان در عملیات‌های بالقوه خشن می‌تواند احتمالاً در کسب نتایج بهتر و خسارات کمتر مالی و جانی مؤثر باشد. مطالعه‌ای که در مورد تیم‌های گشت‌زنی مرد با مرد، زن با مرد و زن با زن که در درگیری‌های خشونت‌آمیز با شهروندان در ادارات پلیس نیویورک در طول سال ۱۹۸۳ حضور داشتند، انجام شد، نشان داد که هیچ تفاوت اساسی بین روش‌های مواجهه یک پلیس مرد یا زن در تیم گشت‌زنی در واکنش به یک درگیری خشونت‌آمیز وجود ندارد.

آنچه در مقابل استفاده پلیس زن در فضاهای برون‌شهری و مرزها مانع تراشی می‌نماید تأکید بیش از حد بر توانایی جسمی ماموران پلیس در این ماموریت‌هاست. برخلاف مطالعاتی که نشان می‌دهند توانایی جسمی در مقایسه با مهارت‌های تعاملی، ارتباط کمتری با کارایی

شغلی دارد، همچنان تفوق نظر بر لزوم قدرت بدنی مأموران نیروی پلیس است. از جمله نکات مهم در تجربه‌های دیگر کشورها این است که با توجه به مهارت‌های تعاملی و مهارت‌های تفکر خلاق به عنوان شاخص قدرت در قرن ۲۱، وجود معیار قدرت بدنی برای جذب نیروهای امنیتی نه تنها به حذف مردانی منجر خواهد شد که دارای مهارت‌های فوق می‌باشند بلکه زنان توانمند نیز فرصت خدمت در این حوزه را از دست می‌دهند. مثلاً در کشور کره جنوبی به‌کارگیری پلیس زن یک پدیده نوپاست اما با این پیام که «قدرت حقیقی در قرن ۲۱ قدرت مردانه نیست بلکه قدرت مغز است» در جهت اصلاح و بازبینی قوانین نوشته و نانوشته جامعه گام برمی‌دارد (park dong, 2003). همچنین انجمن بین‌المللی پلیس زن (WAP) با هدف تغییر در خدمات پلیس زن به شهروندان بر توانایی‌های این زنان تکیه داشته و با ارتقاء سطح دانش، فراهم نمودن امکان ترقی و فرصت شغلی یکسان به سمت تنظیم مجدد سیاست اداره پلیس زنان حرکت می‌کند. گفتمان حاکم بر مبارزه با عرضه مواد اعتیادآور در فضاهای برون شهری و مرزها، معمولاً گفتمان خشونت است. مشخصه اصلی عرضه در این فضاها حجم بالای مواد و قاچاقچیان عمده‌تر و حرفه‌ای‌تر است. بنا بر همین ویژگی، معمولاً موقعیت‌های عملیات پلیسی در این موارد موقعیت‌هایی بالقوه خشن هستند. بیشترین خسارات جانی و مالی عملیات‌های مبارزه با مواد مخدر متوجه چنین مواردی است. با توجه به امتیازات بهره‌گیری از پلیس زن در تخفیف خشونت عملیات‌های پلیسی، بازنگری در ترکیب جنسیتی مأمورین عملیات‌های کاهش عرضه در فضاهای برون شهری و مرزها و در واقع حمل و نقل مواد اعتیادآور در مقیاس‌های بزرگتر قابل تأمل است.

#### ب- کاهش تقاضا (پیشگیری، درمان و کاهش آسیب)

از آنجایی که تنها از طریق نزدیک شدن به حوزه شناخت جامعه به تحقق اهداف پیشگیرانه می‌توان نائل شد نیروی پلیس برای ورود به این حوزه نیازمند ابزار نوینی است که بتواند بر موانع ارتباطی - شناختی فائق آید. در حوزه کاهش تقاضا به استفاده از پلیس زن در امر اطلاع‌رسانی مستمر و گسترده همراه با آموزش مستقیم و غیر مستقیم با توجه به ماهیت



مخاطب پرداخته شد. با طرح این مهم که برنامه‌های حوزه کاهش تقاضا در نیروی انتظامی به سمتی سوق داده شود که با توجه به پتانسیل شناسایی شده در زنان پلیس از آنان در برنامه‌های پیشگیرانه گوناگون و فراگیر که شامل برنامه‌های پیشگیری ویژه دوره کودکی تا بزرگسالی، برنامه‌های پیشگیری ویژه خانواده‌ها، برنامه‌های ویژه مدارس برنامه‌های پیشگیری در محل‌های کار و محله‌های زندگی در مناطق مختلف شهر، مشارکت در برنامه‌های ورزشی و فرهنگی در سطح کشور با تکیه بر جمعیت جوان کشور استفاده کنیم. با توجه به اینکه مصرف مواد اعتیادآور در سطح میان‌فردی به اولین بخشی که آسیب وارد می‌کند خانواده است نیاز به مداخله کارشناسانه در این قسمت اهمیت بالایی دارد. چنانچه این مداخلات در سطح سیاست‌گذاری‌های کلان به صورت هم‌گام و هم‌جهت صورت گیرد، اهداف مورد نظر محقق خواهد شد. تغییر مواد مصرفی و افزایش میزان خشونت در میان خانواده‌ها، که بیشترین آسیب را متوجه زنان و کودکان ساخته است، نیازمند سیاست‌گذاری‌های مبتنی بر شرایط و واقع‌بینانه است. تجربه دیگر کشورها نشان می‌دهد که افسران پلیس زن به توسل مفرط به زور تمایل کمتری دارند (Anderson, 2003)، زنان در آرام کردن موقعیت و رسیدگی به مسئله با کمترین خسارات روحی و جسمی می‌توانند مداخله‌گران مؤثری باشند. همچنین به‌کارگیری زنان پلیس در حوزه پیشگیری با تکیه بر توانایی‌های بالقوه زنانه، نتایج مثبتی را نشان داده است. از سوی دیگر یکی از دلایل حضور زنان در سازمان پلیس فلسطین تضمین حمایت و امنیت روش‌های قانونی است (Oaf, 2006) در واقع اجرای قوانین در جهان پیش رو به ابزارهای انسانی نیازمند است و ضمانت امنیت و اجرای یک قانون می‌تواند استفاده از زنان در نیروی اجرایی باشد.

مشارکت در برنامه‌های اجتماع‌محور: نزدیک شدن پلیس به مردم دست‌یابی به برنامه‌های مشترک را میسر می‌سازد. با توجه به این امر که تجربه برنامه‌های اجتماع‌محور نشان داده است آن دسته از برنامه‌ها که با هم‌یاری و مشارکت مردمی اجرا شده است اثربخش‌تر بوده و به اهداف خود نائل شده است، ورود پلیس به این برنامه‌ها به موفقیت آن‌ها کمک می‌کند. همان‌گونه که تجربیاتی در دیگر کشورها مؤید این امر است که وجوه مثبت این همکاری در حرکت به

سمت انسانی کردن اجرای قوانین سخت است. تجربیات مورد بررسی نشان داده است برای به وجود آوردن ارتباط همگون میان نیروی پلیس و مردم، انسانی شدن اجرای قانون کلید اصلی است که می‌تواند ضمانت اجرای قوانین و همچنین پشتوانه مبارزه‌هایی باشد که مردم با آن‌ها درگیر می‌شوند. چنانچه از مرور مطالعات صورت گرفته با محور نقش پلیس زن در انسانی شدن اجرای قانون به دست آمد می‌توان در یک جمله نقش پلیس زن را در دستیابی به کلید اصلی اجرای قانون بیان نمود: پلیس زن تجسمی است از جنسیت زنانه همراه با ویژگی خاص انسانی درونی او در فرایند اجرای قانون (Ye Xiaochuan, 2008).

### نقش پلیس زن در برنامه‌های اجتماع محور :

#### عضو CBO محله

#### یاری گر فرزندان محله

در کشور هند در راستای اجرای یک برنامه ابداعی و متحصر به فرد در مدیریت سوءمصرف مواد، تشکیلات «نوجیوتی دهلی» برای مبارزه با اعتیاد و بازتوانی راه‌اندازی شد که مدیریت این تشکیلات به عهده یک زن پلیس است (bedi, 1995). این برنامه در سال ۱۹۸۶ با توجه به وضعیت ناهنجار مصرف هروئین و سرقت در شمال هندوستان به آزمایش گذاشته شد. رویکرد اصلی این برنامه بر مبنای شناختی استوار بود. با استفاده از گروه خودیاری خدمات خانواده به مشکلات خانواده‌ها رسیدگی می‌کنند همچنین با کمک مردم محلی برنامه‌های بازتوانی و بازگشت به جامعه افراد درمان یافته را سامان می‌دهند. در این مدل با رویکرد کاهش تقاضا برنامه‌های آموزشی با بهره‌گیری از جایگزین‌های فرهنگی و اجتماعی به مصرف‌کنندگان، استفاده از سخنرانی‌ها و کارگاه‌های آموزش مهارت‌های زندگی و گروه درمانی و برنامه‌های کاهش آسیب شامل درمان بازتوانی و برنامه‌های رفاه اجتماعی به شکل مشترک میان پلیس زن و مردم به اجرا در می‌آید.

پیشگیری: نتایج بخش کیفی طرح ارزیابی سریع وضعیت اعتیاد نشان می‌دهد ساماندهی وضعیت اعتیاد با اطلاع رسانی و آموزش در سطح کشور با تمرکز بر خانواده‌ها میسر می‌شود

و اطلاع‌رسانی با هدف پیشگیری فرآیندی است که بایستی از کودکی آغاز شود (نارنجی‌ها و همکاران، ۱۳۸۶). مطالعات نشان می‌دهد اعضای خانواده فرد معتاد در یک فاصله زمانی از وی غفلت کرده و به دنبال روشن شدن چراغ‌های خطر به عمق رویداد پی بردند. در حقیقت به فرآیند وابستگی هیچ‌گونه توجهی نشده و تنها بروز عوارض جدی اعتیاد مؤید وجود فرد معتاد در خانواده شده است. خانواده‌ها از طریق دیگران به اعتیاد عضو خانواده خود آگاه شده‌اند، در حقیقت همان عنصر عدم آگاهی و غافل بودن از یکدیگر در میان اعضای خانواده وجود دارد. اطلاع یافتن از اعتیاد فرد توسط دیگران، متعاقب همان بی‌خبری و عدم دقت در عملکرد و رفتارهای خانواده رخ می‌دهد، همچنین مواجه شدن با مواد مخدر و یا ابزار مصرف در خانه نیز حاکی از همین اصل است. چنانچه فضای همدلی و دلبستگی در میان اعضای خانواده برقرار باشد افراد از آنچه میانشان می‌گذرد مطلع می‌شوند.

زنان پلیس با تکیه بر سازوکار برقراری ارتباط و تأثیرگذاری و پتانسیل خلاقیت در زنان در نقش مشاور و مربی در برنامه‌های آموزشی و آگاه‌سازی به عنوان راهبردهای اصلی پیشگیری با هدف جمعیت عمومی و جمعیت در معرض خطر اعتیاد در خانواده، مدرسه، محل کار و رسانه‌ها می‌توانند نقش مهمی ایفا کنند. استفاده از پلیس زن در این جایگاه، منجر به اعتماد بیشتر به حمایت‌های مؤثر پلیس در جامعه می‌شود. پلیس‌های زن در کشورهای مورد بررسی از جمله فلسطین، یمن؛ مکزیک و موریتانی در دوره‌های تخصصی مواد مخدر در کنار همکاران مرد شرکت می‌کنند و در بخش پیشگیری، از توانایی آنان بهره گرفته می‌شود.

### نقش پلیس زن در برنامه‌های پیشگیری ویژه خانواده

مشاورین خانواده در دسترس: چنانچه زنان پلیس به عنوان «مشاورین خانواده در دسترس» در میان اعضاء حضور مستمر داشته باشند با تکیه بر آموزش‌های ارتباطی می‌توانند در جهت اصلاح روابط و تقویت همدلی در خانواده عمل کنند. توجه به شرایط روانی-اجتماعی و زیستی اعضای خانواده این امکان را فراهم می‌کند تا پیش از اینکه شرایط زمینه‌ای مساعد برای سوءمصرف مواد اعتیادآور در خانواده فراهم شود، امکان اصلاح و بهبود شرایط موجود میسر

شده و به سمت حل و فصل مشکلات و گشودن گره‌ها قدم برداشت. نوع برخورد و مواجهه با معضلات در زندگی، میان افراد متفاوت است و بروز هر عکس‌العملی منطبق بر ویژگی‌های شخصیتی و اجتماعی افراد می‌باشد. چنانچه این واکنش مبتنی بر آگاهی بیشتر و استوار بر مهارت حل مسئله باشد، انتظار نتیجه موفق‌تری را به دنبال دارد. در فرآیند ابتلای عضو خانواده میبایست قبل از آنکه وی به هر بیماری و رنجی گرفتار شود، دست‌یاری و همدلی به سویش دراز کرد (نارنجی‌ها و همکاران، ۱۳۸۶).

### نقش پلیس زن در برنامه‌های پیشگیری ویژه مدارس:

عضوانجمن اولیا و مربیان جهت ایفای نقش مؤثر در تصمیم‌گیری‌های در راستای سلامت مدارس عضو تیم پیشگیری مدارس منطقه درمان

نتایج مطالعات نشان می‌دهد غالب خانواده‌ها از نحوه برخورد صحیح با بیماران معتاد و انگیزه‌مند ساختن آنان برای ترک بی‌اطلاع هستند. این وظیفه نهاد‌های مرتبط است تا این مهم را در سطحی گسترده و با سازوکارهای نوین به مخاطبان بیاموزد. در فرایند درمان وابستگی به مواد، همچنان اعضای خانواده فرد معتاد به حمایت مضاعف نیازمندند تا هم روند درمان فرد در حال بهبودی را مختل نکنند و هم بتوانند در برابر شرایط سخت مقاومت کنند.

### نقش پلیس زن در برنامه‌های درمانی

#### تسهیلگر درمان اعتیاد زنان

سرپرست مراکز حمایتی - اقامتی ویژه کودکان بی‌خانمان و فرزندان خانواده‌های معتاد سرپرست برنامه‌های خدمات مراقبتی دراز مدت پیشگیری از عود ویژه زنان پلیس زن در این مرحله در نقش یکی از تسهیل‌کنندگان درمان می‌تواند مؤثر باشد. آموزش و مشاوره خانواده‌ها توسط پلیس‌های زن آموزش دیده با توجه به توانایی خاص در ایجاد ارتباط

مؤثر و سازنده می‌تواند نقش بسیار مهمی در ارتقای دانش خانواده‌ها دربارهٔ اعتیاد، ویژگی‌های معتادان و اثرات هم‌وابستگی اعتیاد بر خانواده داشته باشد و توانایی آنان را در رویارویی با مسائل مذکور تقویت نماید. بعد از اتمام دوره درمان‌های - به خصوص کوتاه‌مدت - اعتیاد، به ویژه مبتلایان به مواد جدید صنعتی، از شایع‌ترین عوارض ترک، افسردگی، پرخاشگری، اضطراب و خشونت است. از نتایج بارز این عوارض نیز می‌توان به تعارضات و خشونت‌های خانوادگی اشاره نمود. پلیس زن با ویژگی‌های اشاره شده هم در مرحلهٔ مشاوره و پیشگیری از بروز مسائل خانوادگی و هم در حل و فصل و مدیریت بهینه اتفاقات مذکور نقش بسزایی خواهد داشت. پلیس زن با به‌کارگیری مهارت برقراری ارتباط خود نقش چشمگیری در ارتباط نزدیک خانواده بیماران و پلیس خواهد داشت. از مزایای این ارتباط پایش<sup>۱</sup> شرایط اجتماعی حساس افراد در حال درمان و خانواده‌های آسیب‌دیده است. کنترل برانگیزاننده‌های<sup>۲</sup> اجتماعی و محیطی افراد بهبود یافته توسط پلیس - مثلاً برقراری امنیت روانی و اجتماعی محله - همچنین آموزش خانواده‌ها در مقابله و یا تخفیف این تأثیرات از دست‌آوردهای ارتباط نزدیک پلیس و خانواده‌های آسیب‌پذیر است که منجر به تسهیل بهبودی پایدار بیمار و بهبود سلامت خانواده آنان می‌شود. بنابراین، چنانچه در سیاست‌گذاری‌های درمان کشور، با عنایت به ویژگی‌های برشمرده، جایگاه روشنی به زنان پلیس داده شود این افراد می‌توانند ضمن اجرایی برای تحقق آرامش و تاب‌آوری خانواده باشند و همچنین بهبودی پایدار بیماران را تسهیل نمایند.

کاهش آسیب: کاهش آسیب با رویکردی مبتنی بر عمل‌گرایی به ارائه راه‌کارهای عمل‌گرایانه در جامعه می‌پردازد. اجرای برنامه‌های کاهش ویژهٔ زنان با موانع اجرایی فرهنگی و اجتماعی بسیاری مواجه است. بر اساس بررسی برنامه‌های موجود می‌توان گفت این برنامه‌ها با تکیه بر تفاوت جنسیتی و خدمات مورد نیاز متفاوت در زنان آسیب‌دیده طراحی نشده است. لذا لزوم حضور نیروی اجرایی زن در لباس غیر انتظامی در برنامه‌ریزی کاهش آسیب زنان مطرح می‌شود.

1. monitoring
2. Triggers

## نقش پلیس زن در برنامه‌های کاهش آسیب:

### پلیس کاهش آسیب زنان

همراهی نیروی پلیس زن با سازمان‌های متولی این رویکرد با هدف پیشگیری از افزایش آسیب‌های ناشی از مصرف مواد در جامعه در نقش «پلیس کاهش آسیب زنان» می‌تواند نتایج مؤثری را فراهم کند. از جمله نتایج این امر می‌توان به حمایت‌های امنیتی برنامه‌های کاهش آسیب و کمک به تقویت و ارتقا برنامه‌های مذکور و بهبود روابط میان پلیس و مردم اشاره کرد. در پایان، مایه اصلی نتایج همه مطالعات مورد بررسی حاکی از این امر است که دستیابی به بالقوه‌های وجودی موجود انسانی نیازمند رهایی از پیش‌داوری‌های پرداخته شده در اذهان مغرض می‌باشد؛ پیش‌داوری‌هایی که ما را از دریافت واقعیت محروم می‌سازد و فرصت تفکر را سلب می‌کند. انسان پیشرو تنها در سایه تفکر بر مسند عقلانیت تکیه می‌زند و وجه تمایز خود را با دیگر موجودات هستی به اثبات می‌رساند. پس بر ماست در روزگاری که انسان از انسانیت خود به دور افتاده به دنبال گمشده‌هایمان در میان آنچه داریم بگردیم. شاید چیزی از چشمانمان پنهان مانده است. آنچه از مطالعه حاضر حاصل شد موید این مطلب است که پلیس زن از جمله گمشده‌هایی است که دستیابی به امتیازات آن و به‌کارگیری آن در راستای بهبود سلامت جوامع انسانی تنها نیازمند داشتن نگاهی حقیقت‌جو و رهایی از پیش‌داوری‌های مغالطه‌آمیز است.

### پیشنهادها

- بررسی اثربخشی بکارگیری پلیس زن در برنامه‌های پیشگیری
- ارزیابی فرایند بکارگیری پلیس زن در مبارزه با مواد اعتیادآور
- بررسی مقایسه‌ای عملکرد پلیس زن در حوزه مبارزه با مواد اعتیادآور در ایران و دیگر کشورها
- بازنگری در ترکیب جنسیتی مامورین عملیات‌های کاهش عرضه در فضاهای برون شهری و مرزها و حمل و نقل مواد اعتیادآور
- استفاده از زنان پلیس در مبارزه با کاهش عرضه مواد با توجه به ویژگی‌های زنانه به عنوان

## پلیس مخفی

- اصلاح قوانین استخدام پلیس زن با تکیه بر توانمندی‌های روانشناختی و اجتماعی زنان
- ایجاد فرصت آموزش تخصصی برای زنان پلیس در حوزه مواد اعتیادآور
- فراهم نمودن شبکه ارتباطی با پلیس زن مبارزه با مواد مخدر در دیگر کشورها به منظور توانمندسازی
- آموزش مهارت‌های زندگی و مهارت‌های اجتماعی با هدف تقویت پتانسیل برقراری ارتباط در زنان پلیس
- اختصاص بودجه مناسب به آموزش و پرورش پلیس زن با توجه به نیازهای این نیرو

## منابع:

- Anderson, Laura; Women in Law Enforcement, School of Police Staff and Command, Ann Arbor Police Department, 2003.
- Carli, Linda L.; Gender, interpersonal power, and social influence, Journal of Social Issues, Spring 1999.
- E. Martin, Susan; A Report on the Status of Women in Policing, Police Foundation Reports, 1998.
- Grennan, S. E.; Findings on the Role of Officer Gender in Violent Encounters With Citizens, Journal of Police Science and Administration, Volume:15, Issue:1, Pages:7885-, March 1987.
- Hodges, Graham Russell; The Black Loyalist Directory, New York, 1996.
- Homant, Robert J., and Daniel B. Kennedy; Police Perceptions of Spousal Abuse -A Comparison of Male and Female Officers, Journal of Criminal Justice, 13: 29-47, 1985.

- Lonsway, Kim, and Wood, Michelle, and Fickling, Megan, and De Leon, Alexandria; Men, Women, And Police Excessive Force: A Tale Of Two Genders, A Content Analysis Of Civil Liability Cases, Sustained Allegations & Citizen Complaints, National Center For Women & Policing: A Division Of The Feminist Majority Foundation, Los Angeles, CA., April 2002.
- Lonsway, Kimberly A.; Hiring & Retaining More Women: The Advantages to Law Enforcement Agencies, National Center for Women and Policing: Feminist Majority Foundation, Los Angeles, CA., 2003.
- Mauritania's policewomen challenge tradition, 2007.
- Natarajan, Mangai; Status of Women Police in Asia: An Agenda for Future Research, John Jay College of Criminal Justice, The City University of New York, 2006.
- Price, B. R.; Study of Leadership Strength of Female Police Executives, Journal of Police Science and Administration, Volume:2, Issue:2, Pages:219226-, June 1974.
- Souryal, Sam S.; The Role of the Police in a Multi-Cultural Society: Reflections on Promoting Civility, Democracy, and Justice, College of Criminal Justice, Sam Houston State University, Monday, August 2004.
- Ye Xiaochuan; Female Police's Gender Superiority in the Enforcement of Law, 2008.

- نارنجی‌ها، هومان؛ رفیعی، حسن؛ باغستانی، احمد رضا؛ نوری، رویا؛ غفوری، بهاره؛ سلیمانی



- نیا، لیلا؛ ارزیابی سریع وضعیت سوءمصرف مواد در کشور (۱۳۸۶)؛ مرکز تحقیقات و سوءمصرف مواد (داریوش) دانشگاه بهزیستی و توانبخشی، تهران، ۱۳۸۶.
- نوری، رویا؛ رفیعی، حسن؛ نارنجی ها، هومان؛ سلیمانی نیا، لیلا؛ میرابی، پروانه؛ بررسی عوامل تاب‌آوری زنان همسر معتاد در زندگی با مرد معتاد، مرکز تحقیقات و سوءمصرف مواد (داریوش) دانشگاه بهزیستی و توانبخشی، تهران، ۱۳۸۶.
- نوری، رویا. رفیعی، حسن. صدیقیان، آمنه. صرامی، حمید؛ نارنجی ها، هومان؛ باغستانی، احمدرضا؛ تحلیل روند اعتیاد در دو دهه اخیر مرکز تحقیقات و سوءمصرف مواد (داریوش) دانشگاه بهزیستی و توانبخشی، تهران، ۱۳۸۶.

Archive of SID